

# علائق زیبایی‌شناختی در فضای شهری: زیبایی‌شناسی مسکن در شهر تهران<sup>۱</sup>

## مطالعات جامعه‌شناختی

(علمی - پژوهشی)

دوره ۲۵، شماره ۵: ۲۹۸-۲۸۱

شاپا ۲۸۰۹-۱۰۱۰

نمایه در ISC

ناصر فکوهی<sup>۲</sup>

استاد و عضو هیئت علمی گروه مردم‌شناسی دانشگاه تهران

مریم حسین یزدی<sup>۳</sup>

دکترای مردم‌شناسی از دانشگاه تهران

پذیرش ۹۶/۱۲/۷

دریافت ۹۶/۷/۲۲

### چکیده

پژوهش حاضر با توجه بر یافته‌های میدانی درصدد مطالعه علائق زیبایی‌شناختی در مسکن شهری با توجه به دیدگاه انسان‌شناسی است. رویکرد پژوهشی مورد استفاده، کیفی است و از طریق داده‌های مردم‌نگاری و تحلیل محتوای کیفی انجام شده است. دو مجتمع مسکونی واقع در مناطق یک و پانزده تهران - به ترتیب با اسامی قیطره و پروانه - جامعه مورد مطالعه این پژوهش را تشکیل می‌دهند. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که گاهی سلیقه ساکنین خانه، تحت سیطره معماری و طراحی داخل خانه قرار می‌گیرد و گاهی ساکنین از طریق روابط انسانی بر آن غلبه می‌یابند. عواملی همچون اقتصاد، مذهب، پابندی به سنت‌های پیشین، معماری و طراحی داخل خانه، در علائق زیبایی‌شناختی ساکنین تأثیرگذار بوده است. زیبایی‌شناختی ساکنین مجتمع مسکونی در منطقه پانزده بیشتر تحت تأثیر عوامل مذهبی و پابندی به سنت‌ها و ارزش‌های پیشین است و عوامل اقتصادی و طراحی داخلی خانه، همچنین زیبایی‌شناسی ساکنین مجتمع مسکونی در منطقه یک را تحت الشعاع قرار داده است. همچنین ساکنین در منطقه پانزده برخلاف ساکنین منطقه یک، کمتر تحت تأثیر معماری خانه بوده‌اند.

**واژگان کلیدی:** زیبایی‌شناسی، انسان‌شناسی، سلیقه، اشیاء، مجتمع مسکونی.

۱ این مقاله برگرفته از پایان نامه کارشناسی ارشد است

۲ پست الکترونیکی: nasserfakouhi@gmail.com

۳ پست الکترونیکی: mhoseinyazdi@ut.ac.ir

### مقدمه و بیان مسأله

هر فعالیت انسانی بُعد زیبایی‌شناختی دارد و انسان‌ها تلاش می‌کنند همواره رضایت زیبایی‌شناختی خود را بالا ببرند، تا ارضاء شوند. یک خانه، اشیاء خانه و کارکرد خانه هم می‌تواند همین‌طور باشد. «ضرورت توجه داشتن به این مسأله که خانه تنها بخشی از یک سیستم وسیع‌تر و پیچیده‌تر است، تأکید و تأیید می‌کند که خانه خارج از موقعیت و بستری که در آن قرار دارد، معنای چندانی ندارد. از آنجا که همیشه شیوه زندگی تا حدودی فراتر از محدوده خانه می‌رود و محدوده‌ای وسیع‌تر از محدوده مسکونی را دربر می‌گیرد و نیز به این علت که خانه محل زندگی و محل اتفاق طیف وسیعی از فعالیت‌های مختلف است، شکل و ساحت خانه از آنها تأثیر می‌پذیرد» (راپاپورت، ۱۳۸۸: ۱۱۳).

«از دیدگاه مردم‌شناسی، مطالعه مسکن چیزی فراتر از مطالعه شناخت معماری و یا زیبایی‌شناختی بوده و مسکن به‌عنوان یک پدیده فرهنگی در آمدی است بر مطالعه فرهنگ آن جامعه و سیر تکوینی آن. مسئله مسکن و معماری مانند هر پدیده اجتماعی دارای گذشته، حال و آینده است. با این اعتبار که وضع گذشته در وضع موجود مستقر و وضع آینده نیز از وضع موجود متأثر خواهد بود» (ن. ک. به: زارعی‌پور دژکوه، ۱۳۷۵). مسکن به‌عنوان عضوی مهم و تأثیرگذار بر شهر و زندگی انسان ضرورت و اهمیت پرداختن به این موضوع را ایجاب می‌نماید. «مردم در ساختمان‌ها زندگی می‌کنند. آنها در درون ساختمان‌ها کار می‌کنند، بازرگانی می‌کنند، پرستش می‌کنند، اجتماعی می‌شوند و از خودشان در درون ساختمان‌ها پذیرایی می‌کنند. ساختمان‌ها در کیهان‌شناسی و ایدئولوژی مردمانی که در آنها زندگی می‌کنند، تأثیر می‌گذارند و انعکاس می‌یابند. مطالعه بناها برای انسان‌شناسی فرهنگی مهم به نظر می‌رسد به این معنا که انسان‌شناسی و معماری ارتباط نزدیکی به هم دارند؛ با وجود این روابط نزدیک، انسان‌شناسی معماری بر پیچیدگی رویه‌های معماری، اجتماعی و نمادین که به نظر نمی‌رسد، آشکار باشند، تمرکز می‌کند» (ولینگا<sup>۱</sup>، ۲۰۰۷: ۷۵۷).

هدف اصلی زیبایی‌شناختی در این پژوهش مطالعه تأثیراتی است که در احساس انسان از طریق کالبد فیزیکی مکان و فضا ایجاد می‌شود؛ هم‌چنین زیبایی‌شناسی یک فرد از مکان، از

طریق اعمال سلیقه در چارچوب فضایی خویش و کاربرد اشیاء مورد مطالعه قرار می‌گیرد. زیبایی‌شناسی می‌تواند ظاهری باشد و بر ویژگی‌های بصری همچون؛ شکل، رنگ، اندزاه اشیاء تمرکز کند و نیز می‌تواند زیبایی‌شناسی معنوی باشد و اشاره بر مفاهیم تداعی شده از مکان داشته باشد.

پیتر اسمیت انواع مختلفی برای احساس زیبایی قائل است و معتقد به سه نظام زیبایی‌شناختی می‌شود: «نظام اول زیبایی‌شناختی: نظامی است بر اساس تعادل و هماهنگی. نظم، تعادل و تناسب را بیننده نیز به طور خودکار و همینطور که هست درک می‌کند و آن را زیبا تشخیص می‌دهد. بنابراین اولین نوع پیام‌ها نظم یافته‌اند. نظام دوم زیبایی‌شناختی: پیام‌های پیچیده را نمی‌توان مستقیماً درک کرد. در این موارد بایستی مقدار اطلاعات را کم کرد ... امکان تشکیل طرحواره یکی از مهمترین شرایط اولیه برای ادراک زیبایی است. نظام سوم زیبایی‌شناختی: بخشی از قسمت‌های مغز می‌تواند بدون مراجعه به شعور در مقابل تحریکات خارجی عکس العمل نشان دهد. برای احساس زیبایی کردن بایستی اجزاء بسیار زیادی را در کنار هم دید که این اجزاء به علت پیچیدگی آشفته‌ای که دارند از نظر عقلی نظام‌پذیر نیستند و تنها به طریقی که گفته شد قابل احساس‌اند. آگهی‌های تجارتي در خیابان‌های اصلی شهرهای بزرگ یا تنوع تزئینات در بعضی از ساختمان‌های باروک می‌توانند نمونه‌ای از این نوع ادراک باشند» (یورگ، ۱۳۷۵: ۱۰۷-۱۱۰، اسمیت<sup>۱</sup>، ۱۹۷۹: ۱۷).

نگریستن به ترکیب اشیاء، نحوه چیدمان آنها، روابطشان از نظر فرم و صورت، در سطح زیبایی‌شناسی صوری بررسی می‌شود. در این نوع از زیبایی‌شناسی ابعاد شیء، رنگ، مشخصات ظاهری و صوری آن بر جنبه‌های ضمنی غلبه دارد.

لنگ زیبایی را به سه گونه زیبایی حسی<sup>۲</sup>، زیبایی فرمی<sup>۳</sup> و زیبایی نمادین<sup>۴</sup> دسته‌بندی می‌کند. زیبایی حسی خوشایند بودن دریافت گیرنده‌های حسی<sup>۵</sup> که از محیط می‌آید و متوجه رنگ‌ها، بوها، صداها و بافت‌هایی است که در محیط وجود دارد. زیبایی فرمی اساساً مربوط به شکل و ریتم، پیچیدگی و ترکیبات بصری محیط بیرون است و زیبایی رمزی، زیبایی مفاهیم

---

1 Smith  
2 Sensory  
3 Format  
4 Symbolic  
5 Sensation

تداعی شده به واسطه محیط است که به محیط معنا بخشیده و برای افراد خوشایند است (سانتایانا در لنگ، ۱۳۸۱).

اکثر اوقات تصور می‌شود که مقوله زیبایی در حس بصری می‌گنجد و از طریق فرایند دیدن، امر داوری زیبایی‌شناختی انجام می‌شود؛ اما قابل ذکر است که زیبایی دربرگیرنده همه حواس انسان است با وجود اینکه تصور غالب، حس بصری را نسبت به حواس دیگر برتر می‌داند. حضور فیزیکی و معنوی فرد در کالبد فیزیکی‌ای چون خانه، زمانی مطلوب و خوشایند است که کل سیستم حواس فرد، مطلوب بودن فضا را دریافت کند. چیدمان وسایل، طراحی ساختمان، انواع رنگ، شکل، اندازه اشیاء خانه، گرمی و سردی فضا، لمس فضا و اشیاء، انواع بوهایی که استشمام می‌شود و ... در قضاوت زیبایی‌شناختی مؤثر واقع می‌شود.

در واقع می‌توان چنین ذکر کرد که سلیقه نسبی است و تا حدی نشأت گرفته از فرهنگ است. افراد بر اساس طرحواره‌هایی ذهنی خودشان که بر اساس فرهنگشان، شکل گرفته است، داوری زیبایی‌شناختی انجام می‌دهند. فرهنگ وجوه گوناگونی دارد و به صورت خودآگاه و ناخودآگاه در تمامی شئون زندگی فرد رخنه می‌کند در نتیجه، افکار، عقاید، تصورات، سلاقی افراد بر اساس فرهنگی که دارند، ترسیم می‌یابند. زیبا دیدن و زیبا پنداشتن، فقط یک سلیقه نیست که صرفاً نشأت گرفته از تفکر، نگرش و فرهنگ باشد بلکه سبب بروز و ظهور فعالیت‌های نظام‌مند و عملکردهای افراد نیز می‌شود. بنابراین در این نوشتار تلاش می‌شود تا به این سؤالات پاسخ داده شود:

چه فرایندی در اعمال سلیقه افراد در چارچوب فضایی خویش تأثیر گذارند؟

فرایند زیبایی‌شناختی افراد در مکان و فضا در دو منطقه متفاوت چگونه شکل می‌گیرد؟

روش بررسی این مقاله نیز مردم‌نگاری است «مردم‌نگاری بررسی دست اول داده‌ها و درگیر شدن در جامعه و فرهنگ است (مورچیسون، ۲۰۱۰). مردم‌نگاری یکی از روش‌های بسیار پرکاربرد در انسان‌شناسی است. در این روش محقق ساعات زیادی را در میدان تحقیق سپری می‌کند و غرق در بستر مورد مطالعه خوی می‌شود و به عمق داده‌ها دست می‌یابد.

فنون گردآوری داده در این پژوهش را می‌توان چنین ذکر کرد: مشاهده، متن پیاده شده مصاحبه، مشاهده مشارکتی، عکس و صدای ضبط شده. فنون تحلیل داده‌ها نیز پروراندن مفاهیم و مقوله‌های نظری و ایجاد پیوند بین این مفاهیم و مقوله‌ها بوده است. «روش‌های تحقیق کیفی

از نظر شیوه‌های تحلیل داده‌ها با هم تفاوت دارند؛ یعنی، هر یک از روش‌های تحقیق کیفی داده‌های معینی را تولید کرده و بنابراین مستلزم استفاده از روش تحلیل ویژه و منطبق با خود هستند» (محمدپور، ۱۳۸۹: ۱۱۰).

### مروری بر پیشینه و مفاهیم نظری

#### - زیبایی‌شناختی از دیدگاه انسان‌شناسی

صرف نظر از افزایش روز افزون انسان‌شناسانی که سودمندی زیبایی‌شناختی را در تحلیل فرهنگی تشخیص می‌دهند (برای مثال فرست<sup>۱</sup>، ۱۹۸۸؛ گاس<sup>۲</sup>، ۱۹۸۹؛ مورفی<sup>۳</sup>، ۱۹۹۲) - علی‌الخصوص زیبایی‌شناختی‌ای که به زندگی هر شخصی مربوط است - اما به ندرت زیبایی‌شناختی در تحلیل‌های اجتماعی ظاهر می‌شود. فرایندهای شناختی قابل مشاهده بدون تردید زیبایی‌شناختی را از تحقیق علوم اجتماعی حذف کرده‌اند. این موقعیت، جنبه پدیدارشناختی از تجربه زیبایی‌شناختی را به نفع دیدگاه سنتی کانتی از زیبایی‌شناختی که نگرش و توجه بی‌غرض است، نادیده می‌گیرد (راسل<sup>۴</sup>، ۱۹۹۷).

راسل مبانی کانت در خصوص زیبایی‌شناختی معاصر غربی را انتقاد می‌کند و در جستجوی تأسیس مدل انسان‌شناسی برای سیستم‌های زیبایی‌شناختی است تا خوانندگان غربی را به مفاهیم وسیع‌تر زیبایی‌شناختی سوق دهد. مبانی تئوری خود را در دو قسمت ارائه می‌دهد: ۱ - ادراک زیبایی‌شناختی، وابستگی ارزش‌ها به تجربه است. ۲ - عبارت زیبایی‌شناختی تجدید دوباره تجربه از طریق ارزش‌هایی است که بازسازی می‌شوند (راسل، ۱۹۹۷).

مفهوم زیبایی‌شناختی با فرایند شناختی با توجه به پاسخ کیفی نسبت به تجربه کردن، ارائه شده است. این مفهوم همچنین در نقد کاربرد جهان غرب، از زیبایی‌شناختی ارائه شده است؛ به طور خاص نگرش بیطرفانه از مفهوم اوقات فراغت از زیبایی‌شناختی، اگر در متن قرار بگیرد، به عنوان یکی از انواع متفاوتی است از سیستم‌های وابسته به زیبایی‌شناختی که در سراسر تاریخ جهان ساخته شده‌اند. مفهوم زیبایی‌شناختی با جنبه‌های فعال و پردازشگر عمدتاً به شکل

---

1 Forrest  
2 Guss  
3 Morphy  
4 Russell

خلاقانه در تحلیل، بر روی محصولات مجرد یا « اشیاء هنری » متمرکز شده است. همچنین در تئوری سازی سیستم‌های زیبایی‌شناختی به عنوان پاسخ بالقوه به ساختار معضل چگونگی ترکیب خلاقانه با مدل‌های ساختاری قرار دارد (راسل، ۱۹۹۷).

### زیبایی‌شناسی عکس و اشیاء در انسان‌شناسی

از سویی دیگر، الیزابت ادوارد<sup>۱</sup> تأثیر و تأثر افکار مادی در مطالعات انسان‌شناسی، عکس و شیوه عکاسی را مورد بررسی قرار می‌دهد. چنین استراتژی تجزیه و تحلیل، تحلیل عکس‌ها را فراتر از فقط بصری، تحویل می‌دهد که برای کار فرهنگی مورد نیاز است. بعد از بررسی اساسی از موقعیت‌های تحلیلی در مجموعه عکاسی، ادوارد شیوه مادی عکس‌ها را از طریق دو ویژگی ثابت کشف می‌کند. ابتدا، ایده «قرار دادن»<sup>۲</sup> به این معنی که عکس‌ها در کنار مجموعه‌ای از اشیاء فعال، معنا می‌یابند و دوم، فرایندهای بازپرداخت مادی و اصلاح عکاسی. در ایده عکاسی حس‌گرایی، تعامل با روحیه، لمس و غوطه‌وری در حقیقت به هم پیوسته شده است. نویسنده استدلال می‌کند که محتوای عکس‌ها را نمی‌توان از طریق صرفاً بصری، درک کرد بلکه از طریق تعامل مؤثر و متجسم با دنیای عینی، که هر دو از طریق روابط اجتماعی تشکیل شده است، می‌توان درک کرد (ادوارد، ۲۰۱۲).

چه چیزی افکار را به شکل مادی امکان‌پذیر می‌سازد؟ بحث اصلی و مرکزی در مورد سؤالهایی است که مردم از طریق عکس‌ها انجام می‌دهند، یا کارهایی که از عکاسی به عنوان اشیاء در آلبوم، بر روی دیوارها، در زیارتگاه‌ها، در اعتراض‌های سیاسی مبادله می‌شود. در واقع تأثیر و تأثر افکار مادی در مطالعات انسان‌شناسی از عکاسی، عکس و شیوه عکاسی است. تحت شرایط مادی آیا عکس‌ها دیده می‌شوند؟ در چه مواردی عکس‌ها پاسخ‌های تجسم شده و تأثیرات حسی را القا می‌کنند؟ (ادوارد، ۲۰۱۲). برای مثال مطالعات قابل توجهی از عکاسی معاصر و تاریخی در هند، اندونزی، وانواتو، استرالیا انجام شده است (پینی<sup>۳</sup> ۲۰۰۴، ۲۰۰۸، لیدون<sup>۴</sup> ۲۰۰۵، گیزمار<sup>۵</sup> ۲۰۰۹). این نوع تحقیق در واقع همه آنچیزی است که به پویایی مؤثر و

1 Elizabeth Edwards

2 placing

3 Pinney

4 Lydon

5 Geismar

مادی از عکس‌ها در برخی اشکال یا چیزهای دیگر اشاره می‌کند. با وجود اینکه ظهور این رویکرد، تاریخی طولانی‌تر دارد (ببینید به عنوان مثال بوردیو<sup>۱</sup> ۱۹۶۵) اما اخیراً رواج یافته و تئوری شده است.

مطالعه عکس در شیوه‌های مختلف، سبب شد تا مطالعه روش‌های مادی از تصویر و عکس به مرکز تجزیه و تحلیل سوق یابد. به صورت گسترده‌تر، انسان‌شناسان اهمیت اساسی، ضروری، و ویژگی‌های عاطفی از اشیاء در روابط اجتماعی را به رسمیت شناختند. این رویکرد، عکس را در مرکز روابط پیچیده بین انسان و غیر انسان، مردم و اشیاء قرار داد (لاتور، ۲۰۰۵). این موقعیت در شیوه‌های مهم فکری به وسیله واقعیتی که عکس‌ها، به خصوص در جهان مصرفی‌شان اغلب از مردم هستند، پیچیده شده بود. بنابراین تمایز میان شخص و اشیاء، موضوع و اشیاء، عکس و ارجاع به شیوه‌های قابل توجه، تیره و تار شد. این روابط به ارتباط پویا از استفاده اجتماعی عکس، محدود می‌شود (بیلینگ<sup>۲</sup>، ۲۰۱۱؛ ۱۱).

### یافته‌های تحقیق

#### سبک زندگی و کالبد فیزیکی

#### - جبر مکان و اعمال سلیقه

افراد در چارچوب فضایی و در حصار خانه، فعالیت‌های خود را تنظیم می‌نمایند و با توجه به محیطی که در آن قرار دارند کنش و واکنش نشان می‌دهند. «رفتار تابع تأثیر متقابل فرد و محیط است. محیط و رفتار آنقدر در هم تنیده‌اند که دشوار می‌توان آنها را از هم جدا کرد. جدایی ناپذیری آنها نه تنها بر مبنای این گفته مرسوم است که «محیط بر رفتار تأثیر می‌گذارد» بلکه به این دلیل است که نمی‌توان رفتار را مستقل از رابطه درونی آن با محیط درک کرد. پس ناگزیر باید رفتار را در بستر محیطی آن درک کرد» (آلمن، ۱۳۸۲: ۲۵۲). از آنجایی که رفتار انسان متعاقباً به مکان معنا می‌دهد، مطالعه درک رفتار در بستر مکانی‌اش شایسته است، انجام شود. هر مکانی بر اساس ویژگی‌های خاص خود، تصاویر ذهنی متفاوتی را برای افراد شکل می‌دهد و آنان بر اساس طرحواره‌های ذهنی خود از مکان، رفتار می‌کنند و به مکان هویت می‌بخشند.

1 Bourdieu

2 Belting

لنگ معتقد است که محیط‌های کالبدی، قرارگاه‌های رفتاری هستند که می‌توانند بازدارنده یا تسهیل‌کننده رفتار مردم باشند. این محیط‌ها به هیچ وجه تعیین‌کننده رفتار نیستند، بلکه انگیزه‌ها و نیازهای انسانی تعیین‌کننده رفتار مردم است. حاصل نهایی تعامل میان انسان و محیط کالبدی تنها از طریق انطباق<sup>۱</sup> رفتار با محیط میسر نیست، بلکه همزیستی میان رفتار و محیط کالبدی نتیجه همبستگی<sup>۲</sup> مشروط میان این دو به واسطه تصمیم و انتخاب نهایی انسان بر اساس توانایی‌های جسمی و فکری، نیازها، واسطه‌ها و هنجارهای اجتماعی و فرهنگی است (لنگ، ۱۳۸۱).

زمانی که آپارتمان و مجتمع‌های مسکونی جایگزین خانه‌های سنتی شدند، شیوه زندگی ساکنین با تغییر مواجه شد. این تغییر سبک زندگی با تغییر علایق زیبایی‌شناختی، عملکرد و رفتار ساکنین و چیدمان اشیاء خانه همراه بود. از جمله این تغییرات افزایش نمای بیرونی و درونی مکان زندگی بود. با مجلل شدن مکان زندگی، وسایل و اشیاء قدیمی و سنتی زندگی تا حدی به مرور حذف شدند و اشیاء جدید، جایگزین شدند. این حذف و ظهور اشیاء آنقدر ادامه یافت تا سبکی جدید در مصرف اشیاء و شیوه زندگی ابداع شد.

«فرش» از جمله هنرهای دستی ایرانیان است و از قدیم الایام، بستر خانه از طریق فرش‌هایی که معانی متنوعی را با طرح و نگارهای خود القاء می‌کردند، پوشیده می‌شد؛ اما اکنون معماری خانه به گونه‌ای طراحی شده است که کف‌پوش خانه جایگزین فرش‌های سنتی شده است؛ همین‌طور که مصرف فرش کاسته می‌شود، اشیاء دیگری همچون مبل و کاناپه وارد خانه می‌شود و با ورود مبل، پُشتی کارکرد خود را از دست می‌دهد.

در مجتمع مسکونی قیطره اکنون کارکرد پُشتی به طور کامل حذف شده است چراکه پُشتی زمانی کاربرد دارد که تمامی بستر خانه با فرش پوشیده شده باشد. اما در این مجتمع کارکرد فرش تا حد زیادی به علت کف‌پوش‌های مدرن کاسته شده است.

بنابراین نوع طراحی مدرن و جلیل ساختمان و حضور اشیاء جدید، سبب تغییر شیوه مصرف ساکنین و تغییر زیبایی‌شناختی‌شان شده است. از جمله مثال‌هایی که می‌توان با تغییر طراحی داخلی خانه در تغییر مصرف اشیاء زد، طراحی شومینه در خانه است. لذا؛ با طراحی شومینه، بخاری از وسایل زندگی حذف می‌شود. طراحی شومینه در اتاق پذیرایی فضایی جدید را خلق

---

1 Adaptation

2 Attachment



می‌نماید و جزء لاینفک خانه می‌شود. قبلاً فقط در فصول سرد از وسایل گرمایش استفاده می‌شد و در فصل گرما، این نوع اشیاء از فضای خانه خارج می‌شد. اما امروزه شومینه در فضای خانه، به طور ثابت تعبیه شده و حضور دائمی یافته است. اکنون شومینه هم جنبه تزئینی و نمایشی پیدا کرده است و هم گرمایش خانه را بر عهده دارد.

شرح عکس: مصرف مبلمان، شومینه و کمرنگ شدن فرش در مجتمع قیطره



عکاس: مریم حسین یزدی تاریخ: فروردین ۱۳۹۳

#### - جاذبه قوی سنت

مجتمع مسکونی منطقه پانزده، از آنجایی که معماری‌اش تا حدی تابع خانه‌های سنتی است، کارکرد اشیاء و وسایل سنتی حفظ شده است. «فرش» و «پشتی» هنوز مصارف زیادی در این ساختمان دارند. از یک طرف معماری این مجتمع، تمام فرش بودن خانه را می‌طلبد و از طرفی دیگر عقاید ساکنین - احکام نجاست و پاکی از قبیل ممنوعیت ورود کفش به حریم خانه - و پایبند بودن بر سنت‌های پیشین، بر حفظ و مصرف وسایل سنتی تأثیرگذار بوده است.

مصرف مبلمان کم و بیش در میان ساکنین مجتمع منطقه پانزده قابل مشاهده است اما نکته قابل توجه ترکیب مدرن - سنتی در این مجتمع است. برای مثال گاهی هم مبلمان و هم پشتی در خانه به صورت تلفیقی که متأثر از سنت است، قابل مشاهده است. در این خصوص یکی از ساکنین مجتمع منطقه پانزده این چنین بیان می‌کند:

«من در خانه خودم هم پشتی دارم و هم میل. پشتی برای زمانی است که پدرشوهرم خانه ما بیاید و مبلمان برای مهمان‌های جوانان هست» (خانم، ۲۹ ساله).

شرح عکس: کاربرد ترکیب مصرف فرش، پشتی و مبیل در خانه‌های مجتمع منطقه پانزده



عکاس: مریم حسین یزدی تاریخ عکس: فروردین ۱۳۹۳

گذشته از کاربرد اشیاء و وسایل مصرفی ساکنین، چیدمان وسایل نیز حائز اهمیت است. وجه مشترک ساکنین دو مجتمع مسکونی واقع در مناطق یک و پانزده، چیدمان مبلمان در خانه‌هایشان است. «قرارگیری و آرایش مبلمان در فضاهای عمومی بستگی به نوع مکالمه دارد. بعضی فضاها، نظیر سالن انتظار راه آهن که در آن استقرار نیمکت‌ها به صورت منظم و در ردیف‌های معینی ثابت می‌شوند. این گونه فضاها بستری غیر تشویقی را برای صحبت بین افراد فراهم می‌کند- فضاهای اجتماع گریز<sup>۱</sup>. مورد دیگر نظیر میزهای کافه رستوران‌های اروپایی در پیاده روها است که به قصد نزدیک کردن و آشنایی مردم با یکدیگر چنین آرایشی به خود می‌گیرند- فضاهای اجتماع پذیر<sup>۲</sup>» (هال، ۱۳۸۴: ۶۵). طریقه چیدمان وسایل در هر دو مجتمع به گونه‌ای بوده است که فضای اجتماع پذیر را در بر داشته است و امکان گفتگو و گپ فراهم بوده است.

البته «نحوه و ترتیب قرار گرفتن وسایل تابعی از الگوهای خرده فرهنگی بوده که نه تنها مبین گروه‌های بزرگ فرهنگی است بلکه تفاوت‌های دقیق در فرهنگ‌ها است، که باعث تمایز ویژگی‌های افراد از همدیگر می‌شود. درست همانگونه که تفاوت کیفیت و نحوه استفاده از صدا، امکان تشخیص صدای یک شخص از شخص دیگر را به وجود می‌آورد؛ استفاده از ابزار و وسایل نیز الگوی ویژه‌ای دارد که منحصر به فرد است» (هال، ۱۳۸۴: ۱۳۴). در این زمینه یکی از ساکنین منطقه پانزده اظهار می‌کند که:

«چیدمان خانه و ترکیب وسایل و دکوراسیون برایم مهم است. دائم جای قاب‌ها را تغییر می‌دهم» (خانم، ۳۵ ساله).

ساکنین با انتخاب آگاهانه از نوع اشیاء در مکان زندگی خود و همچنین با اعمال سلیقه در چیدمان اشیاء، در ظاهر زیبایی‌شناختی مکان زندگی خویش را رقم می‌زند و در باطن نحوه تفکر، عقاید و فرهنگ خود را منعکس می‌کنند. در واقع «اندازه، شکل، ترتیب و مکان قرارگیری در خانه جملگی مواردی هستند که با زنان خانه ارتباط برقرار کرده و نحوه و میزان دانش و آگاهی معمار و طراح از جزئیات سیمای ثابت را نشان می‌دهد.» (هال، ۱۳۸۴: ۱۲۷).

بنابراین عوامل زیادی همچون معماری، طراحی داخلی خانه، چارچوب فضایی، تبلیغات و غیره بر مصرف اشیاء و کاربردشان دخیل است اما پایبندی به ارزش‌ها و سنت‌ها در شکل‌گیری سلیقه، زیبایی‌شناختی و مصرف اشیاء گاهی می‌تواند مؤثرتر واقع شود. البته اگر مکان و سنت‌ها با یکدیگر هم‌سو باشند، بیشترین حس زیبایی‌شناختی و آرامش را برای ساکنین خود به همراه خواهند داشت. ساکنین مجتمع منطقه پانزده با توجه به نوع معماری و پایبندی به سنت‌های پیشین خود، در اجرای سلیقه و مصرف اشیاء خانه تا حد زیادی همانند گذشتگان خود رفتار می‌کنند و نوآوری کمتری در کاربرد اشیاء جدید دارند.

#### انعکاس عقاید در چارچوب قاب و اشیاء

از نظر چاپین<sup>۱</sup> لوازمی که در اتاق نشیمن یافت می‌شود، منعکس‌کننده دستاوردهای فرهنگی، دارایی‌های مادی و منزلت اقتصادی و اجتماعی خانواده است (چاپین، ۱۹۳۵: ۳۷۵). وسایلی که در اتاق نشیمن قرار گرفته‌اند، نوع چیدمانشان، نظم و ترتیب، جذابیت، بی‌قوارگی یا باقوارگی وسایل، همه حکایت از سلیقه و علایق زیبایی‌شناختی دارد و از عناصر سبک زندگی نشأت می‌گیرند و در عین حال، با حس هویت و حس مکانی در می‌آمیزد. «مکان مفهومی مجرد و به معنای یک جا و بدون ارتباط با انسان نیست بلکه صورتی از ارتباط میان انسان، اشیاء و دیگر موجودات است» (یورگ، ۱۳۷۵).

از طریق چیدمان وسایل، ترکیب و نظم‌بندی یک مکان، می‌توان به ذهنیات، علایق و باورهای فرهنگی آن مکان پی برد. قرارگیری مبلمان و نوع چیدمان اشیاء در ساختمان و تزئینات خانه از یک طرف به ترکیب ساختمان و معماری خانه بستگی دارد از طرف دیگر به سلیقه و علایق ساکنین بستگی دارد. با کنار هم قرار گرفتن علایق زیبایی‌شناختی ساکنین و

معماری خانه، هویت ساکنان خانه نیز آشکار می‌شود. کلیه وسایل و اشیائی که درون خانه مورد استفاده قرار می‌گیرد، نماد و نشانه‌هایی هستند که دال بر معانی متنوع هستند. این عملکرد فضای زندگی را خصوصی می‌کند و در چارچوب علائق زیبایی‌شناختی و سبک زندگی فرد قرار می‌گیرد. بنابراین «شخصی‌سازی<sup>۱</sup> فضا به این شکل انجام می‌شود که فرد با نماد و نشانه‌هایی در ساختمان، خود، فرهنگ خود، موقعیت اجتماعی - اقتصادی خود و غیره را در مقابل جامعه به نمایش می‌گذارد. لاوسون در نمونه‌ای اشاره می‌کند که ملوان‌ها و دریانوردان هویت شغلی خود را با نصب کردن نمادهای شغلی در جلوی درب خانه معرفی می‌کنند» (لاوسون<sup>۲</sup>، ۲۰۰۱: ۳۲-۳۳)

اشیاء گوناگونی که توسط ساکنین در مکان زندگی‌شان مستقر می‌شود، معانی متنوعی را منعکس می‌کنند. این معانی، هویت فردی، هویت مکانی، هویت شغلی، هویت دینی و موقعیت اجتماعی - اقتصادی ساکنین خود را آشکار می‌سازد. افراد با نمایش اشیاء و وسایل خود در خانه، آگاهانه یا ناخودآگاه علائق و سلايق درونی خود را آشکار می‌سازند و با نگاهی عمیق و یا حتی سطحی به چیدمان و وسایل خانه، می‌توان به انگیزه‌های درونی ساکنان آن پی برد. قاب‌های نقاشی و تابلوهای عکاسی آنگاه که بر دیوار خانه نصب می‌شوند، افکار و علائق درونی ساکنین خانه را هویدا می‌سازند. تصاویر نصب شده از یک طرف ظاهر خود را معرفی می‌کنند و از طرف دیگر در بردارنده معانی و مضامین هستند و دلالت بر پیام یا پیام‌هایی دارند. تعبیه عکس درون آلبوم عکاسی که از گذشته به جهت محصور بودن و مرئی نبودن عکس‌های خانوادگی انجام می‌شد همچنان توسط ساکنین مجتمع منطقه پانزده اجرا می‌شود. آنان صرفاً با نصب تصاویر مردان خود بر روی دیوارها به علاوه تابلوهایی با مضامین مذهبی، پایبندی به ارزش‌ها و عقاید سنتی خودشان را آشکار می‌کنند. در مقابل محصوریت عکس درون آلبوم در میان ساکنین منطقه یک، تا حدی رو به زوال رفته است و بیوگرافی افراد خانواده در قاب‌های عکس روی میز و یا بر دیوار نمایش داده می‌شود.

---

1 Personalizing  
2 Lawson

شرح عکس: تابلوهایی با مضامین مذهبی - سیاسی در مجتمع منطقه پانزده



شرح عکس: تابلوهایی با مضامین هنری در مجتمع مسکونی قیطریه

افراد از طریق شیوه‌های گوناگون تمایل به نمایش مدرنیته در خانه خود دارند، تا به تشخص سرمایه دست یابند. نصب تابلوهای نقاشی در مجتمع مسکونی قیطریه از جمله این روش‌ها است. سرمایه اقتصادی بالا در نمایش تابلوهایی که جنبه تزئینی و هنری دارند، نقش مؤثری دارد.

شرح عکس: نصب تابلوهای نقاشی در مجتمع قیطریه



عکاس: مریم حسین یزدی تاریخ: فروردین ۱۳۹۳

البته کاربرد اشیاء تزئینی در مجتمع مسکونی منطقه پانزده بسیار بیشتر از مجتمع قیطریه بوده است. اغلب درون خانه‌شان را با گل‌های مصنوعی تزئین می‌کنند و در مقابل، گل‌های طبیعی در اکثر منازل مجتمع قیطریه وجود دارد؛ این امر نشان می‌دهد که اهالی مجتمع مسکونی منطقه پانزده، از یک طرف ماندگاری و دوام برایشان زیبا است؛ لذا از مصنوعات استفاده می‌نمایند که دوام بیشتری داشته باشد و به خانه خود زیبایی می‌بخشند. «انسان به فانی بودن خویش واقف است در طول زمان همیشه آرامشش را در آثار هنری‌ای جستجو کرده است که نمادی از

ماندگاری در خود داشته باشند تا بتوانند گذر زمان را به صورت چیزی قابل قبول به او نشان بدهند» (یورگ، ۱۳۷۵: ۱۱۲ و اسمیت، ۱۹۷۹: ۱۶۶). از طرف دیگر اشیاء تزئینی ساکنین مجتمع منطقه پانزده اکثراً ساخته دست خودشان و مصنوعات هنری و سنتی هستند. ترکیب هنر، صنایع دستی و علائق زیبایی‌شناختی در میان اشیاء خانه به وفور قابل مشاهده است. خلق گل‌های مصنوعی و اشیاء تزئینی توسط اهالی مجتمع، از نظر اقتصادی، ماندگاری (دوام) و ترویج هنرهای دستی مثمر ثمر است.

شرح عکس: نمایش گل‌های طبیعی در مجتمع قیطریه و گل‌های مصنوعی در مجتمع پروانه



عکاس: مریم حسین یزدی تاریخ: ۱۳۹۳/۱/۲۰

شرح عکس: تزیینات خانه با هنرهای دستی در مجتمع مسکونی پروانه



عکس‌ها از نگارنده (خرداد ۱۳۹۳)

شیوه طراحی داخل خانه یکی از تجارب زمانی است که خلاقیتش به موضوعات دغدغه‌مند و چارچوب‌های مربوط به زمان محدود است (مایک و راشل<sup>۱</sup>، ۲۰۱۴). در چگونگی مصرف و کاربرد اشیاء و چیدمان اشیاء علاوه بر اینکه عوامل اقتصادی، مذهبی، اجتماعی و پایداری به

1 Anusas, Mike & Harkness, Rachel

سنت‌ها دخیل هستند، سیر زمان نیز بسیار تأثیرگذار است. در یک برهه زمانی یک سلیقه بر اساس یک سری عوامل شکل می‌گیرد که شاید در دهه‌ها و زمان‌های دیگر اینگونه نیست. تشخیص راه‌های متعدد و بیشماری که مردم انجام می‌دهند یا انجام نمی‌دهند، یا ممکن است اشیاء مختلف را تصور کنند یا تفسیر کنند؛ یک بخش اساسی از حرکت به دور ایده‌های پیشرفت و توسعه خطی است. زندگی در یک مسیر زمانی از گذشته به حال و سپس آینده به صورت ثابت اتفاق می‌افتد. در مقابل، ما به سمت حس تجربه زمان در حرکت هستیم که از طریق زندگی در حلقه‌ها و تغییرات چند خطی اتفاق می‌افتد (لاتور<sup>۱</sup>، ۱۹۹۳؛ دیلندا<sup>۲</sup>، ۱۹۹۷، اینگلد<sup>۳</sup>، ۲۰۱۳).

طرح‌های جدید برای فضاها داخلی به همراه شیوه‌ها و بازنمودهایی که با آنها همراه هستند به عنوان نتیجه وجود افراد، اشیاء و ایده‌های پویای آنان تصور می‌شود- یک موقعیتی که ضمنی شده است- (لایت<sup>۴</sup> ۱۹۸۹؛ لایت و ویلانوا<sup>۵</sup> ۱۹۹۰؛ ترینداد<sup>۶</sup> ۱۹۸۹؛ سیلوانو<sup>۷</sup> ۲۰۰۲؛ ویلانوا، لایت و راپوس<sup>۸</sup>، ۱۹۹۵). یک ارتباط تحلیلی میان جامعه و فرهنگ مهمان و میزبان قرار دارد. در واقع اشیاء صحبت می‌کنند؛ اشیاء از زبان صاحبان خود صحبت می‌کنند. ایده‌ها، افکار و عقاید افرادی که متعلق به آن هستند را در درون خود حفظ می‌کنند و با نگاهی تحلیلی می‌توان به محتوای درونی‌شان دست یافت.

### نتیجه‌گیری

خانه، به عنوان محل زندگی انسان‌ها، نقش بسیار مهمی در رفتار، عملکرد، شیوه زندگی افراد، سلیقه و زیبایی‌شناختی‌شان دارد. افراد بر اساس ذهنیت‌های خود، در طول روز رفتار می‌کنند و اعمال خود را شکل می‌دهند و بسیاری از این طرحواره‌ها و ذهنیت‌ها در محل سکونت انسان، شکل می‌گیرد. چگونگی طراحی مسکن، وسعت و مترای، تراکم جمعیت و بسیاری از عوامل دیگر، هویت افراد و علائق زیبایی‌شناختی‌شان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در مطالعه مشخصات

---

1 Latour

2 De Landa

3 Ingold

4 Leite

5 Villanova

6 Rocha-Trindade

7 Silvano

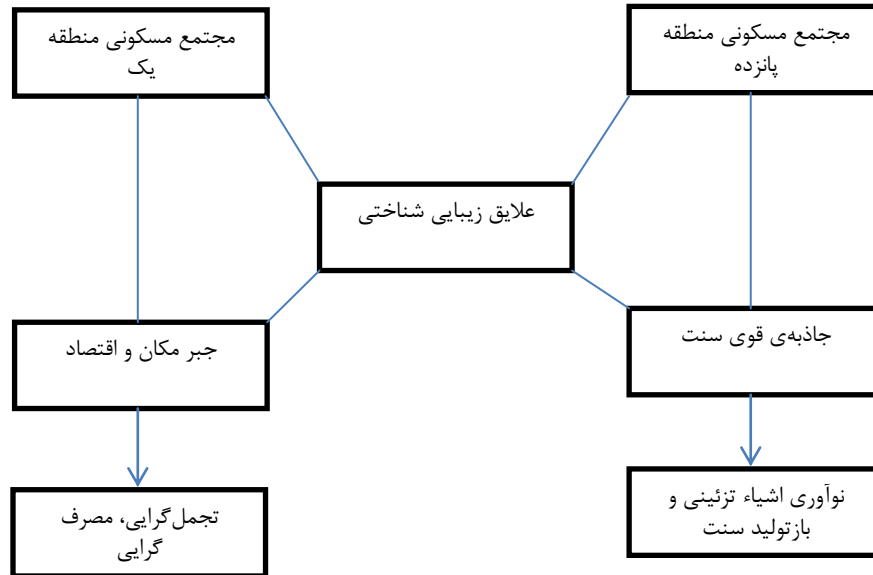
8 Raposo

فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و مذهبی، فضای داخلی خانه توسط کاربرد و مصرف اشیاء و وسایلی که بر اساس سلیقه و زیبایی‌شناختی انسان، شکل گرفته، بسیار حائز اهمیت است. در این تحقیق تلاش بر این بوده است تا رابطه میان علایق زیبایی‌شناختی، کاربرد اشیاء و کالبد فیزیکی به عنوان خانه بررسی شود. یافته‌ها حاکی از آن است که رابطه متقابلی که میان رفتار انسان و محیط زندگی‌اش وجود دارد، هم تأثیرگذار و هم تأثیرپذیر است؛ اما گاهی تأثیر یکی بر دیگری غلبه دارد.

تغییراتی که در طی چند دهه اخیر در معماری مسکن و خانه ایجاد شده است به طور مستقیم و یا غیر مستقیم شیوه زیست افراد، سلیق و علایق زیبایی‌شناختی آنان را تغییر داده است. افرادی که در گذشته درونگرایی و بودن در حصار را ترجیح می‌دادند به تدریج تمایل به نگرستن و دیده شدن را پیدا کردند. رؤیت اجتماعی که قبلاً کمتر مطرح بود اکنون جایگاه ویژه‌ای یافته است. در واقع، برونگرایی و دیده شدن، هم توسط معماری خانه و هم با کاربرد اشیاء داخل خانه پدیدار شد. هم‌چنین هویت‌یابی و هویت بخشیدن به خود از طریق مکان و اشیاء درون مکان، مرزبندی فضایی و خصوصی سازی فضا را به همراه می‌آورد. افراد بر اساس عوامل زیادی همچون تحت‌سیطره بودن کالبد فیزیکی مکان زندگی خویش، سرمایه اقتصادی، عقاید درونی، میزان پابندی به سنت، طرحواره‌های ذهنی خود که انعکاس یافته از فرهنگ‌شان است، به انتخاب و مصرف اشیاء می‌پردازند و در نتیجه علایق زیبایی‌شناختی خود را به نمایش می‌گذارند. به بیان دیگر، لوازم درون فضای خصوصی و مصرف اشیاء علاوه بر کاربرد ظاهری، هویت و ذهنیات درونی صاحبان خویش را نیز به نمایش می‌گذارد.

به نظر می‌رسد که ساکنین مجتمع مسکونی منطقه پانزده توانسته‌اند رفتار محله‌ای خویش را حفظ و سنت‌های خود را بازتولید کنند و در سلطه معماری خانه خویش قرار نگرفته‌اند. آنان با هنرهای دستی خویش، بر زیبایی مکان زندگی خویش می‌افزایند و کاربرد و چیدمان اشیاء در حریم خصوصی‌شان مبتنی بر عقاید و سنت‌هایشان است اما ساکنین مجتمع مسکونی قیطره به شدت تحت تأثیر محل زندگی خویش قرار گرفته‌اند و تمامی روابط خود را در چارچوب مکانی خویش قرار داده‌اند؛ لذا فردگرایی، تجمل‌گرایی، دوری از سنت‌ها، خلوت و خصوصی سازی سبک زندگی به طور مشهود در رفتارشان مشاهده می‌شود.





### منابع

- آلمن، ایروین (۱۳۸۲) محیط و رفتاراجتماعی، ترجمه علی نمازیان، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- راپاپورت، آموس (۱۳۸۸) انسان شناسی مسکن، افضلیان، خسرو، حرفه هنرمند، تهران.
- زارعی پور دژکوه، حمیدرضا، ۱۳۷۵، «بررسی مردم شناختی معماری سکونتگاه های سنتی دهدشت و سیر تحول آن"، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.
- لنگ، جان (۱۳۸۱) آفرینش نظریه معماری: نقش علوم رفتاری در طراحی محیط، ترجمه علیرضا عینی فر، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
- محمدپور، احمد (۱۳۸۹) ضد روش منطق و طرح در روش شناسی کیفی، انتشارات جامعه شناسان، ج ۱، تهران.
- هال، ادوارد توییچل (۱۳۸۴) بعد پنهان، طبیبیان، منوچهر، دانشگاه تهران، تهران.
- یورگ، گروت (۱۳۷۵) زیبایی شناختی در معماری، پاکزاد ف جهانشاه و عبدالرضا، همایون، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، تهران.
- Belting H. (2011). *An Anthropology of Images: Picture, Medium, Body*, transl. T Dunlap. Chicago: Univ. Chicago
- Bourdieu, Pierre. (1965). *Un Art Moyen, Essai sur les usages sociaux de la photographie*. In: *Communications*, 7. Radio-télévision: réflexions et recherches. pp. 165-168. Paris.
- Chapin, F. Stuart (1935). *Contemporary American Institutions; A Sociological Analysis* (Harper's Social Science Series) New York: Harper and Brothers.

- De Landa, Manuel. (1997) *A Thousand Years of Nonlinear History*. Brooklyn, NY: Zone Books. Revised edition (September 18, 2000).
- Edwards Elizabeth (2012), „Objects of Affect: Photography Beyond the Image, Annu. Rev. Anthropol. 2012. 41:221–34, The Annual Review of Anthropology is online at Photographic History Research Center, De Montfort University, Leicester LE1 9BH, United Kingdom.
- Forest, John(1988). *Lord I'm Coming Home: Everyday Aesthetics in Tidewater North Carolina* (Anthropology of Contemporary Issues), Ithaca, NY: Cornell University Press.
- Geismar H. (2009). The photograph and the Malanggan: rethinking images on Malakula, Vanuatu. *Aust. J. Anthropol.* 20(1):48–73.
- Guss, DAVID M. (1989). *To Weave and Sing: Art, Symbol, and Narrative in the South American Rain Forest*, Berkeley: University of California Press.
- Ingold, T. and Gatt, C. (2013) ÔFrom Description to Correspondence: Anthropology in Real Time.Ô In W. Gunn, T. Otto and R. C. Smith (eds), *Design Anthropology: Theory and Practice*. London: Bloomsbury, 139-158.
- Latour, B. (1993) *We Have Never Been Modern*. Cambridge, MA.: Harvard University Press.
- Latour B. (2005). *Reassembling the Social: An Introduction to Actor Network Theory*. Oxford: *Oxford Univ. Press*
- Lawson, Bryan. (2001), *The Language of Space*, Architectural Press, Oxford Auckland Boston, Johannesburg Melbourne New Delhi.
- Leite, Carolina(1989) “Casa de emigrantes: gosto de alguns, desgosto de muitos”, *Sociedade e Território*, 8: 67-71.
- Leite, Carolina, and Roselyne de VILLANOV A(1990) “La maison et les projets immobiliers dans le trajet migratoire”, *Sociedade e Território*, special issue “Enjeux sociaux et transformations du territoire”: 57-62.
- Lydon J. (2005). *Eye Contact: Photographing Indigenous Australians*. Durham, NC: Duke Univ. Press
- Mike, Anusas and Rachel, Harkness (2014) Things could be different: design anthropology as hopeful, critical and ecological. In: *Research Network for Design Anthropology: Ethnographies of the Possible*, 2014- 04-10 - 2014-04-11, Aarhus Universitet, Moesgård.
- Murchison, Julian M (2010) *Ethnography Essentials: Designing, Conducting, and Presenting Your Research*, San Francisco: Jossey Bass.
- Morphy. Howard(1992). 'From Dull to Brilliant: The Aesthetics of Spiritual Power among the Yolngu', in Coote and Shelton (eds.), pp. 181-208.
- Pinney C. (2004). *Photos of the Gods*. London: Reaktion
- Pinney C. (2008). *The Coming of Photography to India*. London: Br. Libr.
- Rocha-Trindade, Maria Beatriz, (1989), “A presença dos ausentes”, *Sociedade e Território*, 8: 8-16.
- Russel Sharman(1997): *The Anthropology Of Aesthetics: A Cross – Cultural Approach*, *JASO* 28/2: 177-192
- Silvano, Filomena, (2002), “José e Jacinta nem sempre vivem nos mesmos lugares: reflexões em torno deuma experiência de etnografia multi-situada”, *Ethnologia*, 12-14: 53-79.
- Smith,F, Peter(1979) *Architecture and the Human Dimension*, London.
- Vellinga, Marcel, (2007)*Anthropology and the Materiality of Architecture. American Ethnologist* 32 (4): 756–766.
- Villanova, Roselyne de, Carolina Leite, and Isabel Raposo (1995) *Casas de Sonhos: Emigrantes Construtores no Norte de Portugal*. Lisbon, Salamandra.